

علی(ع) در لیلۃ المبیت

۴ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۲۸

وقتی علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای علی(ع) آمدند و جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون تو ای فرزند ابو طالب! که خدای متعال در برابر فرشتگان به تو مباحثات می‌کند.»

شب اول ربیع الاول مصادف است با لیلۃ المبیت که امیرمومنان علی(ع) در بستر پیامبر گرامی اسلام(ص) خوابید تا مشرکین قریش آسیبی به حضرت(ص) نرسانند. در ادامه مختصری از این واقعه مهم تاریخ اسلام تقدیم خوانندگان می‌گردد.

لیلۃ المبیت عنوانی است برای شبی که پیامبر(ص) به امر الهی از مکه به مدینه هجرت کرد و به سبب تصمیم سران قریش بر قتل آن حضرت، از علی(ع) خواست تا به جای او در بسترش بخوابد و مشرکان متوجه عدم حضور پیامبر نشوند. خداوند در عظمت این جانفشانی علی(ع) آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (ترجمه: و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است) [بقره-۲۰۷] را نازل فرمود.

نقشه قتل پیامبر(ص)

بنابر روایات تاریخی، کفار قریش، با بالاگرفتن دعوت پیامبر(ص) و پس از مرگ ابوطالب، به آزار و اذیت مسلمانان دامان زدند و آنها را مجبور می‌کردند که از اسلام دست بکشند. پیامبر که جان مسلمانان را در خطر دید، پس از پیمانی که با اهل مدینه بست، دستور داد تا مسلمانان به مدینه هجرت کنند. آنان در چند مرحله به صورت دسته‌های کوچک و پنهانی و دور از چشم قریش رهسپار مدینه شدند. کفار قریش در آخرین چاره‌اندیشی علیه دعوت پیامبر(ص) تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند.

مشورت در دارالندوه

جمعی از قریش در دارالندوه جمع شدند تا درباره نوع برخورد با پیامبر(ص) تصمیم بگیرند. طبق برخی نقل‌ها، شیطان نیز به شکل پیرمردی در این جلسه حاضر شد و مشرکان را راهنمایی کرد. در نهایت طبق خواسته ابوجهل تصمیم گرفته شد از هر قبیله جوانی دلیر انتخاب شود و شبانه بر پیامبر(ص) حمله کنند و دسته جمعی او را در خانه‌اش بکشند؛ زیرا در این صورت، خون

او در میان همه قبایل پراکنده می‌شد و بنی‌هاشم، که خاندان و خون خواهان پیامبر بودند، نمی‌توانستند با همه طوایف قریش بجنگند و ناچار مجبور می‌شدند به گرفتن دیه رضایت دهند.

نزول آیه و آگاهی پیامبر(ص)

به دنبال تصمیم قریش بر قتل پیامبر(ص)، جبرئیل بر پیامبر(ص) نازل شد و او را از نقشه مشرکان آگاه ساخت و دستور خداوند را ابلاغ کرد، چنانچه در آیه ۳۰ سوره انفال آمده است: "به یاد آور هنگامی که کافران از در مکر وارد شده و تصمیم گرفتند که تو را زندانی کنند و یا بکشند و یا تبعید نمایند، آنان مکر می‌ورزند خدا نیز مکر آنان را خنثی می‌سازد خداوند از همه چاره‌آجوتر است." که پیامبر(ص) تصمیم گرفت قبل از آمدن مشرکان، خانه خود را به طرف یثرب ترک کند.

برای اینکه پیامبر(ص) در هنگام خروج از دید مشرکان مخفی بماند، آیه وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹) (ترجمه: و [اما] فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم، در نتیجه نمی‌توانند ببینند.) [یس-۹] را تلاوت کرد.

ماجرای لیلۃ المییت

پیامبر(ص) در شب اول ماه ربیع الاول، به علی(ع) فرمود: "مشرکان می‌خواهند امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در جای من می‌خوابی تا من به غار ثور بروم؟" امام علی(ع) گفت: "در این صورت شما سالم می‌مانید؟" پیامبر(ص) فرمود: "آری." علی(ع) تبسمی کرد و سجده شکر به اجای آورد، وقتی که سر از سجده برداشت عرض کرد: "آنچه را که مأمور شده‌ای انجام ده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد! به هر چه می‌خواهی فرمانم بده که همانند دستیار شما هستم، همان گونه که مقصود شماست در آن وارد می‌شوم و موفقیتم تنها از ناحیه خداست." سپس پیامبر(ص)، علی(ع) را در آغوش گرفت و هر دو گریه کردند و از هم جدا شدند.

وقتی علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای علی(ع) آمدند و جبرئیل گفت: "خوشا به حال کسانی چون تو ای فرزند ابو طالب! که خدای متعال در برابر فرشتگان به تو مباحثات می‌کند."

مشرکان از ابتدای شب، خانه پیامبر(ص) را محاصره کردند و قرار بود حمله در نیمه شب صورت گیرد، اما ابولهب گفت: در این وقت، زنان و فرزندان در داخل خانه هستند و بعدها عرب درباره‌آما می‌گویند حرمت فرزندان عموی خویش را شکستند.

علی(ع) درهای خانه را بست و پرده‌ها را کشید، آنان با سنگ بر علی(ع) که در بستر خوابیده بود، زدند تا مطمئن شوند کسی در بستر خوابیده است و شک نداشتند که وی رسول خداست. صبح که با شمشیرهای برهنه به خانه هجوم بردند، وقتی علی(ع) را در بستر رسول خدا(ص) مشاهده کردند، گفتند: محمد کجاست؟ علی(ع) فرمود: "مگر او را به من سپرده بودید که از من می‌خواهید؟"

کاری کردید که او ناچار شد خانه را ترک کند."

در این هنگام به سوی علی(ع) یورش بردند و او را آزدند و سپس از خانه بیرون کشیده و کتک زدند. ساعتی هم در مسجدالحرام زندانی کرده و آزادش کردند. سپس در جهت مدینه به تعقیب پیامبر(ص) پرداختند در حالیکه غار ثور در سمت دیگر قرار داشت.

همچنین برخی دیگر نقل کرده‌اند که وقتی گروه قریشی به سوی علی (ع) رفتند، شکی نداشتند که او رسول الله(ص) است، با سنگ به سر و روی او می‌زدند تا این که هنگامه طلوع فجر فرا رسید و آنها ترسیدند که رسوا شوند. برای همین به صورت دسته جمعی بر وی حمله‌ور شدند. در آن زمان خانه‌های مکه دارای در ورودی نبود و تنها پارچه‌ای بر ورودی آن آویزان بود. علی (ع) وقتی آنها را مشاهده کرد که شمشیرهای‌شان را کشیده‌اند و به سوی وی می‌آیند و در پیشاپیش آنها خالد بن ولید بن مغیره قرار دارد، شجاعت به خرج داد و با ترفندی شمشیر خالد را از دستش گرفت و در این حال خالد به خود می‌پیچید و شتروار نعره می‌کشید. بقیه افراد هنوز بر پله‌های خانه بودند که علی علیه‌السلام با شمشیر خالد به سراغ آنها رفت و آنها همانند گله گوسفند از مقابلش گریختند و به پشت بام فرار کردند. هنگامی که با دقت به وی نگاه کردند، فهمیدند که او علی (ع) است.

گفتند: تو علی هستی؟ فرمود: بله، من علی هستم. گفتند: ما با تو کاری نداریم، ولی بگو که محمد (ص) کجاست؟ فرمود: من اطلاعی از وی ندارم. پس قریشیان با دقت و با چشم‌های تیزبین سوار مرکب‌های خود شدند و به جست و جوی رسول الله صلی الله علیه و آله پرداختند.

نزول آیه در شان علی(ع)

چنانچه علمای شیعه و سنی می‌گویند آیه وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷) (ترجمه: و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است) [بقره-۲۰۷] در شان علی(ع) در ماجرای لیلۃ المبيت نازل شده است.

منبع: موعود

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۰۸۰/علی-ع-لیلة-المبيت>